

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه‌اختتامیه جشنواره‌سینماحقیقت‌به‌پرسش‌های خبرنگاران درباره موضوعات مختلف، از جمله سرنوشت ساخت خانه جشنواره و قیمت بلیت سینما، پاسخ داد. او درخصوص وعده ساخت خانه جشنواره که در دولت قبل مطرح شده بود، گفت: «هنوز پیشرفتی در این زمینه مشاهده نمی‌شود، زیرا مراحل اولیه نیازمند

احتمال اعمال

تخفیف‌های جدید در قیمت بلیت سینما

رنگ باختن فرهنگ در سینمای تجاری

محمدرضا لطفی، کارگردان فیلم تعارض معتقد است، سینما اساسا فرم است و این نحوه بیان داستان است که اهمیت زیادی دارد



امیرحسین حیدری گروه فرهنگ و هنر

این روزها اگر جدول اکران سینما را بالا و پایین کنید، چشمتان به فیلمی می‌خورد که سعی کرده در تمام ساحت‌های یک اثر سینمایی متفاوت عمل کند؛ فیلمی به نام «تعارض» با نام قبلی «ریست» به کارگردانی محمدرضا لطفی، اثری است که از نظر نوع سینمایی در دسته سینمای هنری و تجربه‌گرا قرار می‌گیرد. به همین علت و وقتی تصمیم می‌گیرید به تماشای این فیلم بنشینید، این نکته را فراموش نکنید که تمام آنچه را از سینمای بدنه و تجاری در ذهن دارید، کنار بگذارید و خود را به دستان این فیلم بسپارید، چون دیدن این فیلم سفری است به جهان‌های ذهنی یک انسان؛ جهان‌هایی که هرکدام می‌توانند به تنهایی واقعیتی واحد باشند یا این‌که در کنار هم یک حقیقت منسجم را بسازند.

■ ■ ■

ل[ی] با توجه به این‌که هر دو اثر شما در ژانر روان‌شناسانه و به‌ویژه سایکودرام قرار دارند، می‌خواستم بپرسم چه عواملی باعث جذب شما به این‌گونه سینما شده و چه تأثیری روی آثار شما دارد؟ عرض کنم که این ژانر، مورد علاقه من است، زیرا معتقدم سینما باید ذهن مخاطب را درگیر کند. به نظر من، سینما ابزاری بسیار مهم برای فلسفه، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است. اگر به تاریخ سینمای ایران و جهان نگاه کنیم، فیلم‌هایی که ماندگار شده‌اند و به اصطلاح جدی‌تر هستند، جنبه یک‌بارمصرف و سرگرمی ندارند، بلکه از جهان پیرامون خود و نظریه‌های روان‌شناسی، انسان‌شناسی و فلسفه نشأت می‌گیرند. من نیز به همین نوع سینما علاقه‌مند شدم و سعی می‌کنم همواره این جنبه را در نظر داشته باشم. علاوه بر این، فلسفه، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی سه مقوله‌ای بوده که بسیار مورد علاقه من هستند.

ل[ی] با توجه به این‌که در دو اثر شما فرم بر محتوا ارجحیت دارد، می‌خواستم بپرسم چه دلایلی باعث شده که شما تأکید بیشتری بر فرم داشته باشید و این رویکرد چگونه بر تجربه سینمایی شما تأثیر گذاشته است؟

به نظر من، سینما اساسا فرم است؛ یعنی سینما چیزی جز فرم نیست و استفاده از فرمی که تا به حال تجربه نشده، جذاب‌تر است. من در روایت ناپدیدشدن مریم و همچنین در فیلم تعارض، از فرم‌هایی استفاده کرده‌ام که حداقل در سینمای ایران تجربه نشده است. این موضوع ریسک بزرگی

هزینه‌های قابل‌توجهی است.» صالحی همچنین به موضوع افزایش قیمت بلیت سینما اشاره و تأکید کرد که این مسأله دغدغه‌ای دوطرفه است. او توضیح داد: «سینماداران و مخاطبان هر دو با این موضوع درگیر هستند. سینماداران به فروش فیلم و قیمت بلیت به عنوان عوامل مؤثر در شغل خود نگاه می‌کنند و برای نزدیک کردن هزینه‌ها و درآمدها تلاش می‌کنند.»

اضافه کرد و این روند ادامه یافت.

ل[ی] در بررسی جهان‌های موازی در آثار سینمایی، معمولاً شاهد نشانه‌گذاری‌هایی با استفاده از رنگ یا به شکل‌های دیگر هستیم، اما در فیلم شما، به نظر می‌رسد که چنین کدگذاری‌های واضحی وجود ندارد. تماشاگران نیز به‌نظر می‌رسد که این جهان‌های موازی درون فیلم را بیشتر به‌عنوان تجلی ذهن پریشان‌شخصیت اصلی تعبیر کرده‌اند تا واقعیت‌های مستقل. آیا عدم وجود نشانه‌گذاری عمدی بوده یا انتخابی آگاهانه در ساختار فیلم؟

کدگذاری در فیلم وجود دارد؛ ما در انتخاب نام شخصیت‌ها، موسیقی و صداگذاری، کدگذاری‌هایی انجام داده‌ایم. برای مثال در فیلم از عقده ادیب کمک گرفتیم. نام کاراکتر مادر «شهین» و نام شخصیت زن «شهلا» است که این به نوعی به این کدگذاری‌ها مربوط می‌شود. اما درباره جهان‌های موازی، ما سه نوع جهان داریم: جهان ذهنی، جهان عینی (واقعیت) و جهان حقیقت. بزرگ‌ترین این جهان‌ها، جهان ذهنی است. هر حرکتی که در جهان عینی انجام می‌دهید، ابتدا در جهان ذهنی‌تان تجربه می‌شود. به‌عنوان مثال اگر بخواهید دکتر شوید، ابتدا در ذهنتان این نقش را تجربه می‌کنید و سپس آن را در واقعیت پیاده‌سازی می‌کنید. این فرایند می‌تواند لایه‌های مختلفی داشته باشد و نظریه‌های مختلفی نیز درباره آن وجود دارد. این یک نظریه است که شاید ما هم در واقع کاراکترهای یک داستان دیگر هستیم همان‌طور که در جهان ذهنی‌مان این اتفاقات می‌افتد و در جهانی ذهنی دیگری زیست می‌کنیم؟ بنابراین، بله، این جریان سیال ذهن است که در جهان ذهنی اتفاق می‌افتد و نمی‌توان این دورا از هم تفکیک کنیم.

ل[ی] با توجه به این‌که دو اثری که تا به حال ساخته‌اید هر دو در گونه سینمای هنری و تجربه‌گراست به نظرتان چه عواملی باعث شده آثار این نوع سینما کمتر مورد توجه قرار بگیرد و این وضعیت چه تأثیری بر کیفیت آثار هنری دارد؟

سینمای هنری در سراسر جهان رایج است و متولیان فرهنگی چه در بخش خصوصی و چه در بخش دولتی، مسئولیت دارند که به این سینما بها دهند. سینما تنها یک ابزار

کیمیای‌های بزرگ مانند سونی‌پیکچرز، درون خود بخشی به نام سونی‌پیکچرز کلاسیک دارد که مختص تولید فیلم‌های فرهنگی و تجربی است. تهیه‌کنندگان به‌خوبی می‌دانند که با یک ابزار فرهنگی سروکار دارند و اگر با این ابزار مشغول تجارت هم هستند اما می‌دانند که سینما یک ابزار فرهنگی است. سینما نمی‌تواند صرفاً به جنبه تجاری‌اش

محدود شود چراکه سینما یک نمایشگاه ماشین یا سوپرمارکت نیست. در سینمای قبل از انقلاب نیز چنین مواردی بود، اگرچه انتقادهای زیادی به سینمای آن دوران وجود دارد اما افرادی مانند آقای میتاقیه همزمان با فیلم‌های تجاری، فیلمی مانند سوت‌ه‌دلان را هم تهیه‌کنندگی می‌کند، چون می‌داند که خمس و زکات فیلم‌های تجاری، ساخته شدن فیلم‌هایی است که فرهنگی‌تر بوده و باعث اعتلای فرهنگ می‌شود. اما در حال حاضر چنین رویکردی کمتر دیده می‌شود. امروزه تعداد معدودی از تهیه‌کنندگان وجود دارند که به‌طور مداوم فیلم‌های کم‌دی تولید کرده و در این مسیر، سود قابل‌توجهی کسب می‌کنند. اما آیا این تهیه‌کنندگان موظف نیستند که در کنار فیلم‌های تجاری، حداقل چند فیلم فرهنگی نیز تولید کنند؟ متأسفانه چنین اتفاقی به‌ندرت می‌افتد و در نتیجه سینما به سمت تولید آثار کم‌عمق و تجاری سوق پیدا کرده است.

برش

چه شد که از اجاره‌نشین‌ها به فسیل رسیدیم؟

این‌که می‌گویند فیلم‌های هنری فقط برای جشنواره‌ها تولید می‌شود، یک دروغ بزرگ و در واقع نوعی فریب است. در همه جای دنیا، فیلم‌های فرهنگی و هنری ساخته و همچنین فیلم‌های سرگرم‌کننده و تجاری نیز تولید می‌شود. در این میان فیلم‌های میانه‌روی و وجود دارد که هم جنبه سرگرمی دارد و این فیلم‌ها به هدف خود رسیده‌اند. به‌عنوان مثال اگر فیلم «تاپ‌گان» ساخته می‌شود، دیوید لینچ هم فیلم‌های خاص خود را می‌سازد و هر کدام مخاطبان خاص خود را دارند. این یک واقعیت است که فیلم‌های دیوید لینچ هرگز به اندازه فیلم‌های تجاری مخاطب نداشته‌اند اما هنوز هم مخاطبان خاص خود را دارند. در کشور ما، به‌طور قاطع می‌توان گفت که حداقل یک میلیون مخاطب وجود دارد که سینما برایشان جدی است. اما چه کار کرده‌ایم؟ ما پای آنها را از سینما بریده‌ایم و خوراک خوبی برایشان فراهم نکرده‌ایم. چگونه ممکن است که زمانی فیلم‌هایی مانند «سگ‌کنشی»، «قرمز»، «اجاره‌نشین‌ها» و «جدایی نادر از سیمین» پر فروش‌ترین فیلم‌ها بودند اما اکنون به فیلم‌هایی همچون «فسیل» و «زودبز» رسیده‌ایم؟ آیا مردم خنگ‌تر شده‌اند؟ خیر، اتفاقی که افتاده این است که ما جنس مخاطب سینما را تغییر داده‌ایم؛ مخاطبی که امروزه به سینما می‌رود، دیگر به فیلمنامه، فیلمبرداری یا اسم کارگردان اهمیت نمی‌دهد. او فقط می‌خواهد دو بازیگر را ببیند و بخندد. این افراد بیشتر مخاطبان کنسرت‌های حسن ریوندی و حمید ماهی‌صفت هستند که بلیت‌هایشان ۸۰۰ هزار تومان است، در حالی‌که بلیت سینما تنها ۸۰ هزار تومان است. ما مخاطبان خود را عوض کرده‌ایم و به همین دلیل است که این وضعیت برای فیلم‌ها پیش آمده. مخاطب واقعی سینما دیگر به سالن‌های سینما نمی‌رود و این فیلم‌ها را نمی‌بیند. سیستم اکران ما به‌گونه‌ای است که وقتی شما برای اکران درخواست می‌دهید، برچسبی به شما می‌زنند که نشان می‌دهد آیا قرار است برنده باشید یا بازنده. این سیستم از ابتدا شما را بازنده می‌کند اما اگر فیلم شما کم‌دی باشد، با این همه تبلیغات، سالن‌های سینما و بهترین سانس‌ها معلوم است که فیلم در گیشه موفق می‌شود. به یاد بیاورید که در سال ۹۳ که گروه هنر و تجربه راه‌اندازی شد، تمام سانس‌های آن فروش رفت. این نشان دهنده این است که فضایی فراهم شد، رسانه‌ها حمایت کردند و آنهایی که سال‌ها از سینما دور بودند، دوباره به سالن‌های سینما بازگشتند. این یک دروغ است که می‌گویند مردم گرفتارند و فقط می‌خواهند بخندند. اگر این‌طور بود، پس چرا جامعه ما هنوز عصبی و خشمگین است؟ چرا هیچ اتفاق مثبتی نیفتاده است؟ این نشان می‌دهد که این ادعا صلا درست نیست.

پیش‌تولید

بازگشت حسین مهکام به سینما



حسین مهکام، کارگردان و فیلمنامه‌نویس در حال تولید فیلم جدیدی با عنوان «سرباز وظیفه حیدر» است. مهکام که پیش از این «بی‌حسی موضعی» را کارگردانی کرده بود، نگارش فیلمنامه سرباز وظیفه حیدر را به پایان رسانده و به‌زودی پس از دریافت پروانه ساخت، پیش‌تولید آن را که فضایی مذهبی دارد، آغاز خواهد کرد. وی همچنین فیلمنامه‌ای دیگر به نام «بازپرس محترم» دارد که قرار بود پس از پنج سال دوری از سینما با آن به عرصه فیلمسازی بازگردد. با این حال، به نظر می‌رسد سرباز وظیفه حیدر، اولویت اول او برای کارگردانی باشد. مهکام پیش از این فیلم‌هایی نظیر «آندرانیک»، «آزادی مشروط» و «کشیک قلب» را کارگردانی کرده و نویسنده آثاری چون «چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت»، «برف»، «هیچ»، «بدر آن دیگری» و «بیست» نیز بوده است. اگرچه او اکثر فیلمنامه‌های مهم خود را به کارگردانان دیگر واگذار می‌کند اما این بار تصمیم دارد سرباز وظیفه حیدر را خودش کارگردانی کند.

اکران

رکوردشکنی ادامه‌دار «باغ کیانوش»



فیلم سینمایی «باغ کیانوش» در مدت ۴۵ روز از اکران خود، موفق به عبور از مرز فروش ۱۶ میلیارد تومان شد. این اثر که نخستین فیلم بلند رضا کشاورزحداد به تهیه‌کنندگی محمدجواد موحد است، به عنوان اولین محصول مشترک باشگاه فیلم سوره و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، با فروش ۱۴/۵ میلیارد تومان در سینماها و جذب ۳۵۰ هزار مخاطب، همچنین با فروش ۷/۶ میلیارد تومان و جذب ۸۰ هزار مخاطب در اکران سیار، به مجموع فروش بیش از ۱۶ میلیارد تومان دست یافته است. با این میزان فروش، باغ کیانوش، اکنون پس از دو فیلم «مست عشق» و «بی‌بدن» به جایگاه سومین فیلم پر فروش غیر کم‌دی سال در سینماها رسیده است. ترکیب بازیگران این فیلم شامل شهرام حقیقت دوست، عباس جمشیدی فر، علیرضا آرا، مجید پتکی، مهدیه نساچ و گروهی از نوجوانان است. پخش فیلم باغ کیانوش که به عنوان پر فروش‌ترین فیلم نوجوان سینمای ایران شناخته می‌شود، برعهده موسسه بهمن سبز است.

قاب

«علت مرگ: نامعلوم» مهیای اکران

زمان اکران فیلم سینمایی «علت مرگ: نامعلوم» به کارگردانی علی زرنگار اعلام شد. این فیلم از چهارشنبه ۵ دی به سرگروهی سینما هویرزه در سینماهای سراسر کشور به نمایش درخواهد آمد. پخش داخلی فیلم نیز برعهده خانه فیلم به مدیریت سعید خانی قرار دارد. در خلاصه داستان علت مرگ: نامعلوم، آمده است: هفت مسافر پیش از طلوع آفتاب، شهادت را به مقصد کرمان ترک می‌کنند اما میان راه اتفاقی آنها را از ادامه سفر باز می‌دارد.

